

یادبود مولودی مبارک

دل آگاه مبارز را به حرکت و فعالیت وا داشت. به مصداق «فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ عَلَى الْجَمَاعَةِ»^۱ دست خدا به یاری مردم آمد. اخلاص و هدف خدایی او و بسیاری از یاران و شاگردانش دل‌ها را منقلب و قصدها را یک سویه کرد، و انقلاب با کمترین ضایعات - نسبت به سایر انقلاب‌های جهان - به پیروزی رسید.

استقلال و رهایی از سلطه اجانب، نعمت بزرگی بود که خدای توانا به وسیله عالمی نسته^۲، فقیهی شجاع و زمان‌شناس نصیب ما کرد. شایسته است پروردگار را

۱. نهج البلاغه، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی، خطبه ۱۲۷، ص ۱۲۵.
۲. نسته: خستگی ناپذیر، کسی که از جنگ و بحث و مخاصمت عاجز نشود (معین، فرهنگ فارسی).

اکنون که این کلمات بر صفحه کاغذ نقش می‌بندد، بهمن ماه ۱۳۸۸ است و ۳۰ سال از پیروزی انقلاب اسلامی کشورمان می‌گذرد. جفا و نارواست که در این ایام از چنین مولود سیاسی خجسته و پدیده دینی شگرف نام نبریم و مقدمش را گرامی نداریم.

حال و هوای مردم، کوشش و جنبش زن و مرد در آن روزها برای جوانان باور نکردنی است، ولی برای شاهدان عینی و شنوندگان اعلامیه‌های راهنما و مؤثر امام امت فراموش نشدنی است.

به راستی که روح الله خمینی، روحی الهی داشت که جان مردم خسته از ستم طاغوت را نواخت و شوری قدسی به آن‌ها بخشید و همه مخصوصاً روحانیون

سپاس گزاریم و عزت به دست آمده را پاس داریم.

یاد آن اتحاد و همدلی، شور و هماهنگی بعد از گذشت ۳۰ سال هنوز شادی بخش است، و آرزوی تداوم آن را در دل‌ها زنده می‌کند. آری چه مسرت و افتخاری برتر از دستیابی به اهداف بلندی که امام خمینی در نظر داشت: استقلال، آزادی، عزت اسلام و مسلمین، گسترش عدالت و کمک به مستضعفان، نابودی ستم و ستمگران.

اما گویی در محنت‌کده دنیا هیچ خاطره خوشی دوام نمی‌یابد، و آرمانی کاملاً برآورده نمی‌شود. اهداف والای انقلاب اسلامی نیز از این قانون کلی مستثنی نبود، و رفته رفته دشمنی و کارشکنی مستکبران خارجی و رانده‌شدگان داخلی کشور را با دشواری‌هایی روبه‌رو کرد تا جنگ تحمیلی هشت ساله پیش آمد... از سوی دیگر مشاهده رقابت‌های قدرت‌طلبانه

بعضی، دنیاطلبی و مال‌اندوزی عده‌ای، تهی‌دستی و بیکاری بسیاری، همه و همه غبار غم بر دل‌ها می‌نشانند. با وجود این از رحمت و عنایت خداوند مهربان نباید ناامید شد، چنان که تاکنون هم با خطراتی که پیش آمده، امدادهای غیبی کشور را محفوظ نگاه داشته است.

اینک ما دل‌گرم به جوانان مؤمن مخلص دانش‌آموخته - در دانشگاه و حوزه - هستیم که سرمایه جاودان این مرز و بوم هستند. رهبر فرزانه انقلاب نیز چشم امید به آنان داشتند، و در پیام آموزنده‌ای که در ۱۳۷۴/۲/۶ برای اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان سراسر کشور فرستادند، درد و درمان را با بیانی شیوا گفتند. متن آن پیام که گویا برای این زمان گفته شده و مناسب مقال است نقل می‌شود، باشد که ما را به تأمل و تفکر وادارد و رفتار سیاسی - اجتماعی مان را اصلاح کند.

بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی

متن پیام مقام معظم رهبری

بسم الله الرحمن الرحيم

عزیزان من، هر کس در مسائل جاری جهانی و مسائل کنونی انقلاب بصیرتی داشته باشد به روشنی می‌فهمد که انقلاب اسلامی ایران در سال حاضر از یک معبر دشوار و هائل و البته تعیین‌کننده در حال عبور است. اگر بخواهیم این مسائل را در چند جمله خلاصه کنیم باید بگوییم در سطح جهانی مراکز استکباری و صهیونیستی به این نتیجه قطعی رسیده‌اند که اگر نتوانند این انقلاب را در مرحله کنونی اش شکست بدهند به احتمال زیاد سررشته کار را از دست داده و دیگر نخواهند توانست موج فزاینده بیداری اسلامی و حتی گرایش ملت‌های غیر مسلمان را به معنویت اسلامی مهار کنند و این موج عظیم که در این شانزده سال عمق کافی هم یافته است تهدیدی جدی علیه حاکمیت استکباری و مشخصاً علیه سلطه فرهنگی غربی خواهد بود.

بر اساس این بینش و برداشت که البته بینش و برداشت درستی هم هست، فشارها و حملات گوناگون خود را علیه این انقلاب فشرده‌تر و قوی‌تر سازماندهی کرده‌اند.

در سطح داخلی، انقلاب اکنون در مرحله‌ای است که می‌توان آن را دوران جهاد اکبر نامید که دورانی است بسیار سخت، بسیار خطرناک و همه انقلاب‌ها این دوران را قاعدتاً تجربه می‌کنند و شاید بشود گفت که اکثر انقلاب‌ها در این دوران دچار لغزش و انحطاط می‌شوند و شاید تعجب کنید اگر عرض کنم که انقلاب عظیم تاریخی نخستین اسلام در چنین دورانی بود که بیش‌ترین نیروی خود را از دست داد. بلی دوران جهاد اکبر یعنی دورانی که شور و هیجان اولیه انقلاب تا حدود زیادی فرو نشسته ضمناً موفقیت‌هایی هم به دست آمده و چهره راحت زندگی، خود را به بسیاری نشان داده و چرب و شیرین

زندگی در دهان‌هایی مزه کرده است. این آن دوران خطرناک است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در چنین دورانی بود که به حکومت رسید و لذاست که نهج‌البلاغه بیش از هر چیز دیگر سخن از زهد و بی‌اعتنایی به دنیا دارد و غمگنانه باید گفت که حتی عدل علوی و زهد علوی هم نتوانست موج مخرب دنیاطلبی را در آن دوران مهار کند و در نهایت شد آنچه شد.

ما امروز در این دوران انقلاب کبیر و عظیم و عمیق خود قرار داریم. البته امتیاز ما به صدر اول در دو نکته مهم است. نخست وجود تجربه آن دوران در برابر ما که برای ما صفحه درس آموزنده و هشداردهنده‌ای است که ای بسا خواهد توانست از آن خطرات مانع شود.

و نکته دوم کثرت و تراکم دل‌های مؤمن و آگاه، با ایمان‌های جوشان و دل‌های پاک در همه جای این کشور بزرگ است.

این دو نکته خواهد توانست ما را از خطر عظیمی که مسلمانان آن دوران ضربه آن را چشیده‌اند و انقلاب‌های بزرگ دنیا در باتلاق آن فرو رفته‌اند نجات بدهد، اما به یک شرط و آن شرط تا حدود زیادی به شما جوانان دانشجوی عزیز ارتباط می‌یابد و آن این است که شما به مدد صفا و پاک‌نهادی و کم‌علاقگی خود به دنیا میدان را با همه ایمان و مجاهدت خود پر کنید. حضور انقلابی، آگاهی و هوشیاری انقلابی، وحدت و یکپارچگی حقیقی، بی‌اعتنایی به انگیزه‌های گروهی و خطی و امثال آن و در نهایت، توکل و تضرع و توسل شما به خدای قادر متعال خواهد توانست خطر این دوران را کم کند و سندی عظیم در مقابل تهاجم دشمنان نیز پدید بیاورد. این جانب سرشار از امید به چنین سرانجامی می‌باشم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

سید علی خامنه‌ای ۷۴/۲/۶